



Imam Sadiq^(pbuh) University



<https://qhs.isu.ac.ir>

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies
Vol. 18, No. 2, (Serial. 36), Summer 2025

10.30497/qhs.2024.246231.3953

Research Paper

Discourse Analysis of Monotheistic Phrase *Fadakiyyah* Sermon of *Ḥaḍrat Zahrā'* (PBUH) Using Discourse Analysis (PDAM)

Marziyeh Tali Tabasi *

Hasan Bashir **

MohamadaAli Heydari Mazraih Akhund ***

Bemanali Dehghan Mongabadi ****

Received: 04/05/2024

Accepted: 22/10/2024

Abstract

Since monotheism is the most fundamental principle of Islam and the foundation of its knowledge, and with a correct knowledge of monotheism, we achieve a precise cosmology, and knowing God through the language of his special saints helps us to know him as much as possible, so It is important to examine and understand the monotheistic passage of *Fadakiyyah's* sermon, which was delivered at a critical historical moment. In addition to deep knowledge of theology, this passage has deep layers of meaning that are usually neglected in the analyzes and have been investigated without considering the relationship of this passage with the entire sermon and its discourse atmosphere. In this research, the method of discourse analysis based on the operational method of PDAM which is designed based on Islamic insight, was chosen as the analysis method, and the purpose of using this method is to obtain the obvious meanings and implicit and hidden meanings of the text, as well as the unsaid beyond the text. In this method, the monotheism of the sermon has been examined and analyzed in five structural, semantic, communicative, discourse and meta-discourse spaces, and all the effective components and aspects have been considered in an analysis, and in the final analysis, the result was obtained that *Ḥaḍrat Zahrā'*'s character is an infallible and transhistorical personality, and the monotheistic part of the sermon is a part of Hazrat's analysis of the event in *Fadakiyyah's* sermon; Therefore, in the monotheistic phase of the sermon, in addition to the deep knowledge of monotheism, it explains the atmosphere of the competing discourse and the topic of conflict and the scope of the discourse and depicts the realization of monotheism in the realization of the Imamate flow.

Keywords: *Ḥaḍrat Zahrā'* (PBUH), *Fadakiyyah* Sermon, Monotheism, Discourse analysis, PDAM Operational method.

© The Author(s) 2025.

* PhD Student in Comparative Interpretation, Yazd University, Yazd, Iran. (talitabasi@iran.ir)

** Professor, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (bashir@isu.ac.ir)

*** Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. (Corresponding Author) (heydari@yazd.ac.ir)

**** Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. (badehghan@yazd.ac.ir)





<https://qhs.isu.ac.ir>

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۸، شماره ۲، پیاپی ۳۶
بهار و تابستان ۱۴۰۴، صص ۹۳-۱۱۸

doi 10.30497/qhs.2024.246231.3953

مقاله پژوهشی

تحلیل گفتمان عبارت توحیدی خطبه فدکیه حضرت زهرا با روش تحلیل گفتمان پدام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱

مقاله برای اصلاح به مدت ۳۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

مرضیه تالی طوسی *

حسن بشیر **

محمدعلی حیدری مزروع آخوند ***

بمانعلی دهقان منگابادی ****

چکیده

از آن جایی که توحید، بنیادی‌ترین اصل دین اسلام و پایه و مبنای شناخت آن است و با شناخت صحیح از توحید به یک جهان‌شناسی دقیق نائل می‌گردیم و شناخت خدا از زبان اولیای خاصش، ما را به شناخت هرچه بیش‌تر او مدد می‌رساند، لذا بررسی و فهم فراز توحیدی خطبه فدکیه که در برهه حساس تاریخی ایراد شده، حائز اهمیت است. در این پژوهش، روش تحلیل گفتمان به روش عملیاتی پدام که بر مبنای بینش اسلامی طراحی شده است به عنوان روش تحلیل انتخاب شده و هدف از به‌کارگیری این روش دستیابی به معناهای آشکار و معناهای ضمنی و پنهانی متن و همچنین ناگفته‌های فراتر از متن است. در تحلیل گفتمان فراز توحیدی خطبه به روش عملیاتی پدام، فراز توحیدی در پنج فضای ساختاری، معنایی، ارتباطی، گفتمانی و فراگفتمانی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است که در این پنج فضا، اکثر مؤلفه‌ها و جوانب مؤثر در یک تحلیل، در نظر گرفته شده است و در تحلیل نهایی، این نتیجه حاصل گردید که شخصیت حضرت زهرا(س) شخصیتی دارای عصمت و فراتاریخی است و فراز توحیدی خطبه، جزئی از تحلیل حضرت از واقعه در خطبه فدکیه است؛ لذا حضرت در این فراز، علاوه بر معارف عمیق توحیدی، موضوعات دیگری مانند: فضای گفتمان رقیب، موضوع درگیری دو جریان و وسعت گفتمان را تبیین می‌کند و تحقق توحید را در تحقق جریان امامت ترسیم می‌نماید.

واژگان کلیدی: حضرت زهرا(س)، خطبه فدکیه، توحید، تحلیل گفتمان، روش عملیاتی پدام.

* دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. (talitabasi@iran.ir)

** استاد دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. (bashir@isu.ac.ir)

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد، یزد، ایران. (نویسنده مسئول) (heydari@yazd.ac.ir)

**** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد، یزد، ایران. (badehghan@yazd.ac.ir)

طرح مسئله

خطبه فدکیه، خطبه‌ای عظیم و از مهم‌ترین اسناد معرفتی اسلام است که در مصادر قدیمی شیعه و سنی نقل شده است (ابن طیفور، ۱۳۷۶ق، ص ۱۲؛ ابن اثیر، بی تا، ص ۵۰۱؛ سید مرتضی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۶۹؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۷). این خطبه در برهه حساس تاریخی، یعنی بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) و چند روز پس از ماجرای غصب خلافت و مصادره فدک به دستور خلیفه وقت و ناکام ماندن حضرت صدیقه کبری برای بازپس‌گیری آن، در مسجد النبی و در جمع مهاجرین و انصار ایراد شد؛ حضرت در این خطبه اسرار و حقایق زیادی را درباره اعتقادات اسلامی، مسائل تاریخی قبل و بعد بعثت و نقشه‌ها و فتنه‌های جریان کفر و نفاق و مسئله غصب خلافت مطرح کردند، یکی از محورهای مهم معرفتی که ایشان به عنوان مطلع سخن بیان کردند فراز توحیدی خطبه است و از آن جایی که توحید از مهمترین مباحث دینی و نخستین شعار پیامبران الهی در دعوتشان به سوی خداپرستی بوده یک موضوع مهم به شمار می‌آید. در این جا این سؤال پیش می‌آید که چرا بحث توحید که معمولاً در تقابل با شرک یا کفر مطرح می‌گردد در جمع مسلمانان انصار و مهاجر مطرح می‌شود؟ این بحث توحیدی در ابتدای خطبه چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ آیا هدف از مطرح کردن بحث توحید صرفاً تقویت باورهای اعتقادی است؟ یا عادت‌ی در ابتدای خطبه خوانی آن دوران بوده است؟ حضرت با بیان این فراز توحیدی درصدد بیان چه حقایق و اسراری هستند؟

اگرچه شناخت کامل سخنان والای حضرت و دستیابی به حقایق نهفته ایشان در این مجال امکان‌پذیر نیست اما می‌توان با به‌کارگیری روش‌های تحلیل متن در شناخت بیش‌ازپیش این حقایق کوشید، لذا تحلیل‌گفتمان به روش عملیاتی پدام روشی است که با پیاده‌سازی متن در پنج فضای ساختاری، معنایی، ارتباطی، گفتمانی و فراگفتمانی به کشف معنای ظاهری و مستتر جریان‌های گفتمانی می‌پردازد و معنای فراتر از متن را آشکار می‌سازد.

پیشینه تحقیق

در زمینه خطبه فدکیه مقالات و کتاب‌های زیادی نوشته شده که اشاره به آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد. نویسندگان این تألیفات عمدتاً از جنبه‌های مختلف حدیثی، فقهی، تاریخی و ادبی، قرآنی و.. مورد بررسی قرار داده‌اند؛ همچنین مقالاتی در مورد خطبه فدکیه با رویکرد تحلیلی نوشته شده است، برای نمونه: فراهانی در مقاله خود با عنوان تحلیل خطبه فدکیه بر اساس نظریه کنش گفتاری میزان فراوانی انواع کنش‌های گفتاری را از جمله کنش اعلامی، بیانی، احساسی و انشایی و تعهدی را در خطبه فدکیه بررسی کرده است (ر.ک: فراهانی، ۱۳۹۵ش)؛ همچنین سجادی و بهارزاده و عترت دوست در مقاله آسیب‌شناسی جامعه‌اسلامی مبتنی بر تحلیل محتوای خطبه فدکیه حضرت

زهر(س) با استفاده از روش تحلیل محتوا و تکنیک تحلیل مضمونی به کشف جهت گیری‌ها و مقوله‌های کلی حاکم بر متن خطبه حضرت زهر(س) پرداخته‌است (ر.ک: سجادی، بهارزاده و عترت دوست، ۱۴۰۲ش) و صبادی نژاد و حسینی باصری در مقاله تحلیل گزاره‌های پرسشی خطبه فدکیه براساس نظریه سرل به تحلیل گزاره‌های پرسشی خطبه فدکیه براساس نظریه «سرل» پرداخته‌است و نتایج این پژوهش نشان دهنده این مطلب است که بیش تر کنش‌های پرسشی در این خطبه کنش عاطفی و تعدادی نیز کنش ترغیبی بوده‌است (ر.ک: صیادی نژاد و حسینی باصری، ۱۳۹۷ش) و مواردی از این قبیل تحلیل‌ها که بیان آن خارج از ظرفیت و گنجایش مقاله است.

با رویکرد تحلیل گفتمان نیز پژوهش‌هایی انجام شده و به نتایجی دست یافتند برای نمونه: آویشی در پایان نامه با عنوان تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدکیه حضرت زهر(س) بر اساس الگوی فرکلاف و چارچوب نظری لاکلاو موفه به این نتیجه دست یافت که گفتمان حاوی قدرت، دو نوع است: گفتمان قدرت مدار و حقیقت مدار و گفتمان قدرت مدار هدفش رسیدن به قدرت مادی است و گفتمان حقیقت مدار هدفش رسیدن به قدرت معنوی است و گفتمان حکومتی را قدرت مدار و گفتمان فاطمی را حقیقت مدار دانسته‌است (ر.ک: آویشی، سمیه ۱۳۹۶ش)؛ روشنفکر و اکبری زاده در مقاله تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدک حضرت زهر(س) به این نتیجه دست یافتند که حضرت زهر(س) در طول گفتمان انتقادی خویش با استفاده از دلالت‌های کلامی و عوامل ساختاری، دلالت‌های ژرفی را مورد نظر قرار می‌دهد از آن جمله اسلام و ایمان است که به عنوان بزرگترین دستاوردی که در معرض انحراف است در طول گفتمان مورد بحث است (ر.ک: روشنفکر، کبری و اکبری زاده، فاطمه، ۱۳۹۰ش) و مهرآیین و قبادی در مقاله با عنوان تحلیل گفتمان خطبه فدکیه حضرت زهر(س) که بر اساس ترکیبی از روش تحلیل گفتمان روٹ وداک و جیمز پل جی است و به این نتیجه دست یافتند که خطبه فدکیه بیانگر شکاف گفتمانی در حوزه‌های متنوعی است و بیش ترین تعارض و منازعه، حول محور ارث و حاکمیت بعد از رسول خدا می‌باشد و گفتمان خلیفه اول را تداوم دوران جاهلیت می‌داند (ر.ک: مهرآیین، مصطفی و قبادی، علیرضا، ۱۳۹۹).

روش تحلیل گفتمان در پژوهش‌های انجام گرفته که ذکر آن‌ها گذشت، با روش برگزیده تحلیل گفتمان این پژوهش که روش عملیاتی پدام است متفاوت می‌باشد، مرور پژوهش‌های مرتبط نشان می‌دهد هرچند این خطبه از جنبه‌های مختلف مورد تحلیل قرار گرفته‌است اما فراز توحیدی به طور مستقل و از دریچه تحلیل گفتمان به روش عملیاتی مورد تحلیل واقع نشده‌است، لذا پژوهش حاضر از جهت شیوه تحلیلی و مؤلفه‌های مؤثر و دخیل در تحلیل و نتایج حاصل شده دارای نوآوری است.

۱. گفتمان

در معنای لغوی مفاهیمی مانند گفتگو، محاوره و گفتار آمده است، اما معنای اصطلاحی آن با معنای لغوی متفاوت است. در اینجا به دو تعریف بسنده می شود: «گفتمان، پدیده، مقوله یا جریانی است که دارای زمینه و بستری اجتماعی است. معانی اظهارات و مطالب بیان شده، گزاره ها و قضایای مطرح شده، کلمات و عبارات مورد استفاده بستگی به این نکته دارند که مطالب و گزاره ها کی و چگونه، توسط چه کسی یا علیه چه چیزی و یا چه کسی صورت گرفته است» (دودانگه، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۲)؛ به عبارتی «گفتمان، کنش متقابل نمادین بین انسان هاست که در شکل های متفاوتش به کار می رود چه از طریق زبان گفتاری یا نوشتاری باشد و چه از طریق حرکات سر و دست و تصاویر، نمودارها، فیلم و موسیقی» (بلور، توماس و بریل بلور، ۱۳۹۰ ش، ص ۷).

۲. تحلیل گفتمان

در دهه ی ۱۹۵۰ گرایشی در علم زبان شناسی به نام «تحلیل گفتمان» ظهور کرد که در کمتر از دو دهه اکثر رشته های علوم اجتماعی و ارتباطی را درنوردید. در تحلیل گفتمان «چگونگی تبلور و شکل گیری معنا و پیام های واحدهای زبانی در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه متن، واحدهای زبانی، محیط بلا فصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی)، و عوامل برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می گردد» (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۲، ص ۱۰)؛ در حقیقت تحلیل گفتمان، «کشف معانی ظاهری و مستتر جریان های گفتمانی است که در شکل های گوناگون زبان و فرا زبان آشکار می شوند» (بشیر، ۱۳۹۵، ص ۱۶۱).

۲-۱. روش های تحلیل گفتمان

درباره تحلیل گفتمان روش های گوناگونی تاکنون، ارائه شده است. روش ون دایک، روش فرکلاف، لاکلا و موفه و جی از مهم ترین این روش ها هستند. «هر یک از این روش ها عمدتاً ناظر به تحلیل متون رسانه ای و غیردینی است که دارای پیام خاصی بوده و توسط افراد مختلف به صورت های متفاوتی قرائت می شوند، تحلیل گفتمان با شیوه معمول برای متون دینی با مشکلاتی روبروست؛ اصول حاکم بر آن، حقیقت را سیال، نسبی و امکان کشف آن را تقریباً امکان پذیر نمی داند و اساساً با حقایق ثابت دینی و عدم سیالیت معنایی آنها متناقض است؛ لذا روشی که در این جا برای تحلیل به کار گرفته شده است روش عملیاتی تحلیل گفتمان تحلیل به شیوه پدام (PDAM) می باشد» (بشیر، ۱۳۹۷، ص ۱۵۴).

۲-۱-۱. روش عملیاتی تحلیل گفتمان پدام (PDAM)

بشیر (۱۳۹۵) می‌گوید: تحلیل گفتمان «متون دینی» در پنج «فضا» نام‌گذاری شده‌است که منعکس‌کننده «فضای متنی و بینامتنی» مؤثر در خلق گفتمان روایی است. این پنج فضا عبارت‌اند از: ۱. فضای ساختاری، ۲. فضای معنایی، ۳. فضای ارتباطی، ۴. فضای گفتمانی، و ۵. فضای فراگفتمانی.

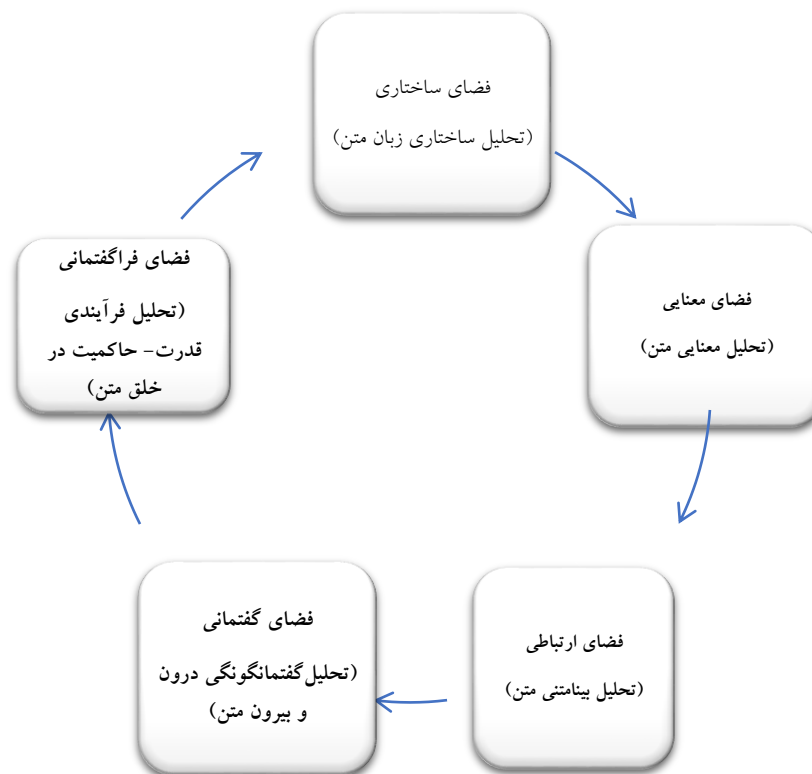
در «فضای ساختاری» زبان، ساختارهای زبانی، روابط دستوری، و عوامل مؤثر بلاغی موردتوجه قرار می‌گیرد. در این رابطه، متن روایی، به‌مثابه یک متن تولید شده در یک فضای خاص زبانی، از منظر ساختاری موردتوجه قرار می‌گیرد.

در «فضای معنایی»، معنای زبرین و زیرین موردتوجه است. این معنا، نه‌تنها در ظاهر و باطن الفاظ و جملات نهفته است، بلکه در اجزاء و نیز معنای کلی متن مستتر می‌باشد. فضای معنایی، منعکس‌کننده‌ی جهت‌گیری‌های متن برای تحقق اهداف گفتمان موردنظر است. این فضا، نوعی از «زمینه» را تبیین می‌کند که اگرچه از نظر تاریخی زوایای آن منعکس نشده، یا به‌صورت کامل منعکس نشده‌است، اما می‌توان آن را به دلیل خلق معنای خاص در دوره خاصی از تاریخ که بیش از هر چیز با قدرت - حاکمیت، مرتبط است، به‌مثابه «زمینه خلق روایت» تلقی نمود. معنا در این فضا، به‌نوعی شکل‌دهنده جهت‌گیری‌های مربوط به اهداف آنی و غایی است که تکمیل‌کننده گفتمان در مراحل هم‌زمانی و درزمانی است.

در «فضای ارتباطی» روابط بینامتنی میان ساختار و معنای موجود در متن با ساختارها و معناهای بیرونی متن مورد بررسی قرار می‌گیرند. کشف این روابط، شاید مهم‌ترین مرحله‌ای است که در تحلیل گفتمان روایی موردتوجه باشد. به عبارت دیگر، بینامتنیت‌های درون و بیرون متن، تبیین‌کننده، زمینه‌هایی گوناگون برای چرایی، چگونگی و چیستی خلق گفتمان روایی است. اگر «فضای ساختاری»، زبان گفتمانی را تبیین می‌کند، و «فضای معنایی» جهت‌گیری گفتمانی را ترسیم می‌کند، «فضای ارتباطی» «روح گفتمانی» را مشخص می‌کند که تبیین‌کننده، موقعیت کلی و شرایط حاکم در خلق آن گفتمان است.

در «فضای گفتمانی» شرایط قدرت - حاکمیت که مهم‌ترین عنصر مؤثر در خلق گفتمان روایی است، مورد مطالعه و بحث قرار می‌گیرند. این شرایط، تعیین‌کننده، رویکرد گفتمانی متون روایی است. فضای گفتمانی، فراتر از گفتمان خاص روایی، خود یک گفتمانی است که تابعی از قدرت - حاکمیت در وجوه مختلف، عملی، فکری، تعاملی و تعارضی می‌باشد. فضای گفتمانی، با چنین رویکردی، زمینه‌ای برای ضرورت طرح روایات مختلفی است که در چنین فضایی می‌توانند مطرح شوند. طرح این روایات از طرف دیگر، تبیین‌کننده همین فضای

گفتمانی است. به عبارت دیگر در اینجا نوعی از «مکاشفه دوسویه» وجود دارد که از یک سو با فهم «فضای گفتمانی»، به گفتمان روایی می‌توان پی برد و از طرف دیگر با «تحلیل گفتمان روایی» می‌توان به «فضای گفتمانی» حاکم بر دوره مربوط به روایات مورد تحلیل، دست یافت. در «فضای فراگفتمانی» می‌توان با رابطه میان «فضای گفتمانی» و «گفتمان روایی» در سطوح هم زمانی و در زمانی آشنا گردید. این فضا، بیش از آن که به سطح هم زمانی گفتمان توجه داشته باشد، به سطح در زمانی و به عبارت دیگر با فرایند تحول گفتمانی در دوره‌های مختلف توجه دارد. فضای فراگفتمانی، فضای ترسیم‌کننده شرایط قدرت - حاکمیت برای بروز گفتمان‌های مختلف روایی در دوره‌های مختلف است که با کشف این فضای فراگفتمانی می‌توان نسبت به فهم روایات مختلف و تعیین معانی، جهت‌گیری‌ها و اهداف آن‌ها اقدام نمود. این پنج گام در تحلیل متون روایی به روش «پدام» فرایندی را ترسیم می‌کند که در سایه آن می‌توان نسبت به تحلیل گفتمانی روایی اقدام کرد. نمودار شماره (۱) نشان‌دهنده این مراحل و معنای هر مرحله برای تحقق این فرایند است. (صص ۲۷۱-۲۷۸).



نمودار شماره (۱): مراحل تحلیل گفتمان پدام برای متون دینی

۳. تحلیل گفتمان فراز توحیدی خطبه فدکیه حضرت زهرا(س) به شیوه عملیاتی پدام

۳-۱. بررسی شخصیت و جایگاه حضرت زهرا(س)

توجه به بافت موقعیتی در بررسی معنای جمله، اغلب در شکل‌دهی به معنا نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ از نظر ریچاردز، بافت، آنچه را که در قبل و بعد یک عبارت یا حتی گفته‌های طولانی‌تر مانند یک متن واقع می‌شود در بر می‌گیرد، و در ادامه بیان می‌کند این بافت می‌تواند بسیار گسترده‌تر از بستری باشد که بیان و عمل در آن اتفاق افتاده است: فهم دقیق کلام ممکن است به تاریخ زندگی فردی و جمعی، آرزوها و امیال فرد، جهان‌بینی طرف‌های گفت‌وگو، نهاد یا سازمانی که افراد به آن تعلق دارند و ساخت و پرداخت جامعه‌ای که افراد در آن زندگی می‌کنند بستگی داشته باشد (Richardz, 1985, p122)؛ لذا برای تحلیل این خطبه لازم دیده شد تا علاوه بر آنچه از بافت در فضای گفتمانی مطرح می‌گردد به شخصیت حضرت زهرا (س) به عنوان کسی که سازنده گفتمان است پردازیم و نیز بررسی کنیم حضرت در بین مخاطبانش چگونه شخصیتی شناخته شده بوده است؛ این‌ها عواملی است که در تحلیل و فهم کلام بسیار مهم و تأثیرگذار است تا حدی که خود حضرت حتی در خطبه سعی می‌کند با بیان‌های متفاوت نَسَب و جایگاه خویش را یادآور شود تا در فهم کلامش به مخاطبان کمک کند.

۳-۱-۱. شخصیت حضرت زهرا(س) در قرآن

آیات بسیاری از قرآن به جایگاه و شأن حضرت فاطمه دلالت می‌کند. بخشی از آیات مثل آیه ۶۱ سوره آل عمران واژه «نساءنا» (سیوطی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۸؛ طبری، ۱۹۷۴م، ص ۲۵؛ ثمالی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۳۳) و آیه تطهیر، آیه ۳۳ احزاب (ترمذی، بی تا، ج ۵، ص ۶۹۹؛ طبری، ۱۹۷۴م، ص ۲۱؛ ابن اثیر جذری، بی تا، ج ۵، ص ۵۲۲؛ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۳۴۰) و آیات اطعام در سوره انسان (مقاتل بن سلیمان، بی تا، ج ۴، ص ۵۲۵؛ ابن عطیه آندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۶، ص ۱۸۲؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۲۴۳-۲۴۴؛ امینی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۱۱۱-۱۰۷) از نظر فریقین در رابطه با حضرت زهرا (س) می‌باشد.

۳-۱-۲. شخصیت حضرت زهرا(س) در بین مردم آن دوران

در اجتماع آن روز یعنی اوایل اسلام و حیات رسول گرامی، مهم‌ترین راه شناخت شخصیت حضرت زهرا (س) دیدگاه رسول خدا (ص) می‌باشد؛ زیرا گفتار و سیره آن حضرت معیار حق و باطل و درستی و نادرستی افراد و اندیشه‌هاست.

برخی تعابیر و رفتارهای رسول اکرم (ص) در خصوص حضرت فاطمه (س)، در مورد هیچ شخص دیگری به کار نرفته است، این رفتار خاص از عاطفه و رابطه پدرانه و نسبی و فطری فراتر است و حاکی از شخصیت والای

حضرت زهراست که مسلمانان به‌خوبی درک می‌کردند و صحابه بارها آن‌ها را روایت کرده‌اند. عمر بن خطاب گفته‌است که هرگز کسی را نزد رسول خدا (ص) محبوب‌تر از فاطمه ندیدم (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۵۵). گزارش‌های دیگر حاکی از چنان موقعیت و جایگاه والایی نزد پیامبر اکرم است که کسی را یارای وصول به آن مقام نیست این مهم در گفتار و رفتار رسول خدا (ص) انعکاس یافته، بنا بر منابع معتبر شیعه و اهل سنت، پیامبر حضرت فاطمه (س) را با کنیه «ام‌ابیه» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۶؛ اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۲۹؛ طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۳۹۷؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۴۱، ج ۵، ص ۵۲۰) و «بضعه منی» (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۲۱۰؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶ق، ص ۱۰۴؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۵۹) می‌خواند و یا روایات غضب حضرت فاطمه (س) به منزله غضب پیامبر (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۲۱؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۳۹۴؛ طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۴۰۴؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶ق، ص ۱۰۴) و غضب خداوند متعال (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۶؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۶۷؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۵۲۲؛ سیوطی، ۱۴۲۳ق، ج ۸، ص ۱۸۶) است که مورد اتفاق شیعه و سنی است؛ همه این روایات حاکی از شخصیت عظیم حضرت فاطمه (س) را دارد شخصیتی که پیامبر کرم (ص) در موقعیت‌های گوناگون به دنبال فرصتی برای معرفی به مسلمانان می‌گشت تا عذری برای کوچکترین هتک حرمت نسبت به حضرتش، باقی نماند.

شناخت شخصیت حضرت زهرا (س) نشان می‌دهد ایشان شخصی عادی و معمولی با علم محدود و مأموریت محدود نبوده‌است ایشان کسی است که علمش به علم الهی متصل است و مأموریتی بزرگ در عالم دارد و طبق آیات قرآن (احزاب/۳۳) معصوم است لذا با این پیش فرض باید وارد تحلیل خطبه شد و گستره کلام را در حد ظرفیت وجودی شخص گوینده گسترش داد.

۲-۳. فضای ساختاری

اولین مرحله از تحلیل، بررسی ساختار متن است مرحله‌ای که تقریباً در همه روش‌های تحلیل گفتمان مشترک است. «درباره اینکه اصولاً در گفتمان باید به چه عناصری توجه شود، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ اما همه این دیدگاه‌ها در اینکه متن، اعم از کلمات، جملات و پاراگراف‌ها می‌توانند منعکس‌کننده بخشی از مفهوم گفتمان باشند، اختلاف کمتری وجود دارد» (بشیر، ۱۳۹۹، ص ۵۳). در تحلیل فراز توحیدی خطبه فدکیه، ستون اول به یافته‌های بررسی ساختاری اختصاص دارد. در بررسی جملات، به واژگان و دستور زبان می‌پردازیم؛ «بررسی می‌شود که واژگانی که دلالت بر ارزش‌های تجربی دارند، کدامند؟ چه واژگانی محل منازعه ایدئولوژیک هستند؟ آیا واژگان تعریف شونده در متن وجود دارند؟ جملات مثبت هستند یا منفی؟ آیا ویژگی‌های مهم بیانی وجود

دارد؟ جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل شده‌اند؟» (فرکلاف، ۱۳۹۷: ص ۱۷۰ و ۱۷۱). برای مثال در جمله اول الحمدلله علی ما انعم؛ دو کلمه حمد و انعم در ساختار جمله برای مخاطب ایجاد سوال می‌کند که حضرت در جمله ابتدایی چرا حمد را به کار برده؟ حمد چه معنایی دارد؟ انعم چیست؟ که در ستون‌های بعدی، به مراتب معنای آن تبیین می‌گردد. (جدول شماره ۱)

۳-۳. فضای معنایی

در تحلیل گفتمان، کشف معانی، بدون درک واقعی معناهای تحت‌اللفظی امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر، همان‌گونه که برای انجام هر تحلیل، به روش‌های کمی تحلیل نیاز است و بدون توجه به آن‌ها نمی‌توان به تحلیل‌های کیفی دست‌یافت، دستیابی به معناهای ضمنی و پنهان متن، بدون شناخت کافی از معناهای تحت‌اللفظی نیز امکان‌پذیر نیست (بشیر، ۱۳۹۹، ص ۱۹۹). در همین راستا ستون دوم ناظر به معنای زبرین و زیرین متن است، ورود به معناهای زبرین روایت نیازمند «فهم دینی» علاوه بر «علم دینی»، و هم «فهم گفتمانی» است (بشیر، ۱۳۹۷، ص ۱۴۸). لذا در این ستون با توجه به کتب لغت و بلاغت و... به بررسی لغات در فضای معنایی پرداخته شده‌است.

۳-۴. فضای ارتباطی (تحلیل بینامتنی متن)

این فضا تبیین‌کننده روابط بینامتنی درون متن است؛ به عبارت دیگر، متن انتخاب شده از داخل متن در ستون اول قرار دارد؛ در ستون دوم جایگاه آن در فضای معنایی تعیین می‌شود، در ستون سوم روابط بینامتنی آن در داخل متن مشخص می‌شود (بشیر، ۱۳۹۷، ص ۱۵۰). در تعریف بینامتنیت باید گفت که بینامتنیت اشاره به رابطه‌های گوناگون متون از لحاظ صورت و معنا دارد؛ به طریق اولی متون، بافت‌ها و سیاق‌هایی را فراهم می‌کنند که می‌تواند دیگر متون را درون آنها خلق و تفسیر کرد (قائم‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۴۳۶). به عنوان نمونه حمد در قرآن حدود ۲۳ بار به کار رفته‌است که معمولاً برای نعمت‌های اخروی است و با توجه به روایات متعدد از ولایت امام به عنوان یک نعمت یاد شده‌است و با توجه به آیه ۳ سوره مائده این همان نعمتی است که خدا بر بندگان تمام کرده‌است. (جدول شماره ۱).

۳-۵. تحلیل سه فضای ساختاری و معنایی و ارتباطی

باتوجه به جدول شماره (۱) در بررسی فضای ساختاری و معنایی تبیین می‌گردد که انتخاب واژگان، چینش واژگان در جمله و انتخاب عبارات همه از روی قاعده و مناسبات ادبی و متناسب با معنا و هدف کلام بوده‌است و در فضای ارتباطی، رابطه بینامتنی اکثر جملات با قرآن بیانگر این مهم است که حضرت زهرا (س) همان طور که عمر شریفشان پای مکتب قرآن بزرگ شده بودند، با معارف قرآن عجین بوده و تسلط کامل داشتند لذا ارتباط عمیق با

معارف قرآن را می‌توان در گفتمان ایشان یافت همچنین این ارتباط بینامتنی اشتراک محورهای این گفتمان با معارف قرآن را نشان می‌دهد. حضرت، خطبه فدکیه را با فراز توحیدی، حمد و شکر و ثنای نعمت، شروع می‌کند با توجه به فضای ارتباطی این نعمتی که حضرت توجه مخاطبان را از ابتدا به آن جلب می‌کند در لایه‌های عمیق تر معنایی اشاره به نعمت بزرگ نبوت و ولایت امام دارد که در میان نعمت‌ها از بالاترین نعمت‌هاست در ادامه مسئولیت انسان‌ها را در برابر این نعمت بیان می‌کند، و بعد از آن توحید را معنا می‌کند که تحقق آن پیروی از خداوند در تمام شئون است لذا پیروی از امام منصوب الهی از جمله این شئون می‌باشد و با بیان اوصاف خداوند در واقع بین منتخب خدا و منتخب بشر تمایز قائل می‌شود و تحقق توحید را در تحقق جریان امامت رقم می‌زند.

۳-۶. فضای گفتمانی

فضای چهارم بیانگر فضای گفتمانی متن است که فراتر از معناهای زیرین و زیرین و روابط بینامتنی است که به هر حال نوعی از معنا را تداعی می‌کند. فهم و کشف این فضا، اولین گام برای درک گفتمانی متن است؛ آیا این متن، در شرایط و موقعیتی خلق شده، گفتمانی را ایجاد کرده است و به «جریان گفتمانی» تبدیل شده است؟ همچنین ستون چهارم بیانگر رابطه دیگری است که تلاش می‌کند گفتمان درون متن را با گفتمان‌های مشابه بیرون متن پیوند دهد، یا به عبارت دیگر این رابطه را کشف نماید (بشیر، ۱۳۹۷ش، ص ۱۵۰). لذا در این سطح، فضای گفتمانی که فراز توحیدی در آن مطرح شده و فضای گفتمانی که خطبه مطرح شده تبیین می‌گردد.

۳-۶-۱. فضای گفتمانی فراز توحیدی

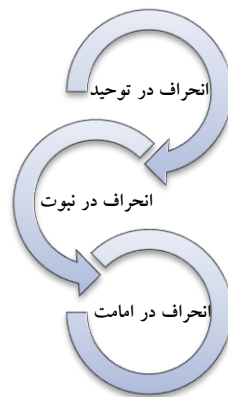
حضرت فاطمه (س) بعد از رحلت نبی اکرم (ص) و چند روز پس از ماجرای خلافت و مصادره فدک به دستور خلیفه وقت و ناکام ماندن ایشان برای بازپس‌گیری به مسجد پیامبر رفت و در جمع انصار و مهاجر و مسلمانان مدینه و در حضور ابوبکر (خلیفه وقت) به ایراد خطبه فدکیه پرداخت؛ حضرت در این خطبه بعد از حمد و ثنای الهی و شهادت به وحدانیت، به اوضاع عمومی زمان قبل از بعثت اشاره کرده سپس با شهادت به رسالت پدرشان و معرفی ایشان، اهداف رسالت را بیان می‌فرماید و در ادامه به ثمرات بعثت پیامبر اکرم اشاره می‌کنند. حضرت در این خطبه به تکالیف و وظایف شرعی امت در قبال ثقلین (قرآن کریم و عترت) اشاره کرده و اطاعت از اهل بیت را ملازم تبعیت از قرآن دانسته است. سپس خود را دگربار به عنوان دختر پیامبر معرفی می‌کند و سپس به معرفی شخصیت امیرالمؤمنین و سابقه جهاد او می‌پردازد، حضرت از سویی عظمت، بزرگی، شجاعت و شهامت حضرت در میدان جنگ و از سویی اوج مظلومیت ایشان را بیان می‌کند و اولویت در تبعیت و طاعت از امام علی (ع) را از ویژگی‌های حضرت برمی‌شمارد و مقام اخوت ایشان را با پیامبر یادآور می‌شود. در نهایت هم ویژگی مردمان زمان

خود و منافقان و کسانی که این فتنه را طراحی کردند و عاقبت‌هایشان را بیان می‌کند و بعد از بیان مباحث قیامت خطاب به قبر پیامبر از غاصبان و مردمی که مؤید آنان بودند شکایت بردند.

۳-۶-۲. تحلیل در فضای گفتمانی

فضای گفتمان خطبه نشان می‌دهد که حضرت زهرا (س) با مخاطبانی روبرو بود که عمر شریف پیامبر را درک کرده بودند، با سنت‌های پیامبر آشنا بودند، سخنان ایشان را شنیده بودند، در جنگ‌ها در رکاب او با دشمن جنگیده بودند، محاصره اقتصادی، هجرت، جانبازی در جنگ و... در کنار پیامبر متحمل شده بودند، احترام و سفارش پیامبر را نسبت به حضرت زهرا (س) و مقام و جایگاه در پیشگاه خدا و نسبت به زنان عالم دیده بودند بعضی از آن‌ها در غدیر حضور داشته و انتصاب حضرت علی توسط ایشان را در غدیر شاهد بودند؛ حضرت در این شرایط به گفتمان توحیدی به‌عنوان آغازگر سخن می‌پردازند؛ لذا گفتمان توحیدی در کنار گفتمان نبوت، امامت، معاد و... به‌عنوان اصول مهم حوزه اعتقادی دین می‌تواند بیانگر مفهوم دقیق‌تری از توحید باشد و نشان می‌دهد خوانش مسلمانان از دین اسلام در فاصله کوتاهی بعد از رحلت پیامبر دچار انحرافات شده است. گفتمان توحید در کلام حضرت در کنار گفتمان‌های نبوت و امامت و معاد اجزای اسلام واحد را تشکیل می‌دهد اسلامی که تمام ابعاد آن در کنار هم شاکله آن را می‌سازد. برجسته‌سازی مفهوم ارث و فدک از جانب گفتمان رقیب برای به حاشیه راندن این گفتمان بوده است. همچنین در این گفتمان خلیفه اول با تفسیر دوگانه و انحرافی از آیه ارث و مورد سرزنش قراردادن دختر رسول خدا (ص)، در صدد جهت‌دهی گفتمان حضرت به سمت یک درگیری و تعارض اقتصادی بوده و شخصیت حضرت را در حد یک فرد معمولی تقلیل می‌دهد، درحالی‌که حضرت با معرفی خود در این گفتمان و فراز توحیدی نشان داده که این تعارض در اصلی‌ترین مباحث اعتقادی مسلمانان ریشه دارد و این جریان توحید است که به انحراف کشانده شده و به انحراف در حوزه نبوت و امامت منجر می‌شود و موجب می‌شود

کسانی حاکمیت اسلام را به عهده بگیرند که حتی درک صحیحی از آیات قرآن ندارند این مضمون در قالب دعا در روایات ائمه بعد می‌توان یافت (نمودار شماره ۲).



نمودار شماره ۲

۳-۷. فضای فرا گفتمانی

در جریانات تاریخی گفتمان‌هایی شکل گرفته که هر کدام به نحوی نشان می‌دهد تقابل و نزاع این دو گفتمان صرفاً یک نزاع اقتصادی و احقاق حق اقتصادی نیست؛ بلکه با تبیین ابعادی از این گفتمان وسعت این گفتمان و موضوع درگیری در این گفتمان را تبیین می‌کند.

۳-۷-۱. جریان مباهله

مباهله پیامبر خدا با نصاری نجران یکی از حوادثی است که در راستای حقانیت امام علی (ع) در قرآن منعکس گردیده‌است، پیغمبر اکرم (ص) برای این امر مهم از میان مردها تنها حضرت علی بن ابی‌طالب، از میان زنان فقط حضرت فاطمه زهرا و از میان فرزندان، فقط امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را انتخاب کرد و پا در میدان مباهله گذاشت. سیوطی و فخر رازی در تفاسیرشان می‌گویند که در آیه مباهله مراد از انفسنا، رسول‌الله و علی (ع) می‌باشد و مراد از ابنائنا حسن (ع) و حسین (ع) و مراد از نساائنا فاطمه (ع) است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۴۸).

۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۳۲۰ و ۳۲۱). که این روایت نشان می‌دهد مسئله فدک و تلاش برای بازگرداندن آن به‌عنوان حق مسلم ائمه، صرفاً امری مادی نبوده؛ بلکه این تاریخ پر فراز و نشیب و ردّ و بدل‌های آن در تاریخ حاکی از این است که بعد سیاسی فدک همواره بسیار مهم‌تر از بعد اقتصادی آن در تاریخ بوده و نمادی از غضب حکومت از اهل‌بیت پیامبر (ع) و وصی بر حق ایشان بوده‌است.

۳-۲-۵. شبهه خلقت جهان

«تعبیر «لَا مِنْ شَيْءٍ» را نخستین‌بار حضرت زهرا (س) در خطبه فدکیه به کار برد، بعد از ایشان شش نفر از امامان معصوم در چهارده روایت درباره خلقت الهی از تعبیر «لَا مِنْ شَيْءٍ» استفاده کرده‌اند. پیش‌تر اندیشمندان درباره آفرینش دو گونه می‌اندیشیدند: برخی آفرینش را همواره از ماده‌ای پیشین (من شیء) می‌پنداشتند و نتیجه این پندار قدیم دانستن عالم و ماده بود و خدا باوران که تنها خداوند را ازلی و بی‌سراغاز باور داشتند آفرینش را از عدم (من لاشیء) می‌دانستند. آفریدن هستی از نیستی آموزه‌ای تناقض‌آلود بود که همواره مورد نقد اندیشمندان قرار می‌گرفت. پیشوایان اسلامی و در صدر آنان حضرت فاطمه زهرا (س) با استفاده از تعبیر «لَا مِنْ شَيْءٍ» و طرح گونه «فعل ابداعی» گره این مسئله را گشودند» (سلطانی رنانی، ۱۳۹۷، ص ۱۸۷). فراز توحیدی خطبه حامل معارف عمیق و آموزه‌های اعتقادی است طوری که حتی ظرفیت این را دارد که پاسخگوی شبهه‌های آیندگان باشد و این نشان از شخصیت فراتاریخی حضرت و مأموریت وسیع ایشان در هدایت تمام عالمیان را می‌رساند.

۳-۲-۶. تحلیل در فضای فراگفتمانی خطبه

جریاناتی مثل مباحله و نزول آیه تطهیر به‌عنوان یک واقعه تاریخی و شواهد قرآنی عصمت حضرت زهرا(س) را ثابت می‌کند؛ لذا کسی که عصمت او علاوه بر احادیث و سنت پیامبر، در قرآن تأیید شده محال است که خلاف واقع، ملکی را که صاحبش نیست مالک بداند و یا به رسول خدا(ص) نعوذ بالله دروغ ببندد و یا آیه قرآن را به غلط تفسیر کند؛ لذا این آیات به‌عنوان فراگفتمان، موضوع تقابل دو گفتمان را از یک نزاع اقتصادی فراتر می‌برد و گفتمان توحیدی خطبه موضوع و مقیاس درگیری را با جبهه مقابل تعریف می‌کند.

کیفیت ورود حضرت زهرا(س) به مسجد همانند رسانه‌ای عمل می‌کند و یادآور احترام و سفارش پیامبر نسبت به حضرت زهراست این نشان می‌دهد اگرچه فاصله‌ای از رحلت پیامبر نشده؛ اما فضای رسانه‌ای مسموم آن دوران، مردم را به فراموشی ارزش‌ها و سنت پیامبر مبتلا کرده‌است ابزاری که امام حسین(ع) در اوج تقابل با لشکر ظلم استفاده کرد تا یادآور شود چه کسی تابع رسول خداست و چه کسی با خدا و رسولش دشمنی می‌کند. رسول خدا(ص) از همه فرصت‌ها استفاده می‌کرد تا جایگاه اهل‌بیت را نشان دهد حتی به نزول آیه اکتفا نمی‌کرد، سلام

هر روز بعد نزول آیه تطهیر و... از فراگفتمان‌هایی است که نشان می‌دهد شخصیت حضرت، و رای شخصیت‌های عادی و موضوع درگیری، گسترده‌تر از ملک یا حتی خلافت ظاهری است و همین گستردگی وسعت این گفتمان بود که تا سال‌ها بعد هم توسط ائمه به عنوان سند حقانیت مورد مناظره قرار می‌گرفت؛ لذا گفتمان توحید به عنوان یک گفتمان پایدار علاوه بر اینکه بیانگر آموزه‌های عمیق اعتقادی و پاسخگوی شبهه‌های به وجود آمده در سال‌های بعد بود؛ بلکه تبیین‌گر جهت و مقیاس و وسعت یک درگیری تاریخی و محورهای گفتمان رقیب، برای همیشه تاریخ است.

فضای گفتمانی	فضای فراگفتمانی
۱. آغاز با گفتمان توحیدی	۱. تأکید بر عصمت حضرت زهرا (س)
۲. بیان مهم‌ترین اصول دین در گفتمان خطبه	۲. تأکید بر جایگاه والا و ارزشمند حضرت زهرا (س) در قرآن و سنت
۳. برجسته کردن مفهوم ارث و فدک توسط خلیفه اول	۳. خلاف قرآن و سنت عمل کردن خلیفه اول
۴. تفسیر دوگانه و انحرافی از آیه قرآن توسط خلیفه اول	۴. به حاشیه راندن مفاهیم توحید، نبوت و امامت و... توسط گفتمان خلیفه اول با اتهام و سرزنش کردن و برجسته نمودن قضیه فدک
۵. به حاشیه راندن محورهای گفتمان حضرت توسط گفتمان رقیب	۵. گفتمان توحیدی تبیین‌گر مقیاس درگیری دو گفتمان خلیفه اول و حضرت زهرا (س)
۶. استفاده از ابزار سرزنش، اتهام و... در فضای رسانه‌ای خلیفه اول	۶. گفتمان حضرت زهرا (س) یک گفتمان پایدار است.
۷. جهت‌دهی گفتمان به سمت یک نزاع صرفاً اقتصادی	
۸. تقلیل شخصیت حضرت زهرا (س) به یک شخص عادی در گفتمان رقیب	

جدول شماره ۲: تحلیل فراز توحیدی خطبه فدکیه به شیوه پدام در فضای‌های گفتمانی و فراگفتمانی

نتایج تحقیق

با تحلیل گفتمان توحیدی در خطبه فدکیه به روش عملیاتی پدام (PDAM) در ۵ فضای ساختاری، معنایی، ارتباطی؛ گفتمانی و فراگفتمانی مشخص شد:

۱- حضرت زهرا(س) در قالب گفتمان توحیدی، ساختاری نظام‌مند را متناسب با هدف و معنای کلام، در ارتباطی عمیق با قرآن بیان می‌کند.

- ۲- علاوه بر آموزه‌ها و معارف عمیق توحید، حضرت در فراز توحیدی، مخاطبان را متوجه نعمت ولایت و امامت می‌کند که آغازگر آن بعثت پیامبر(ص) است و با جریان امامت ادامه دارد؛ اما گفتمان رقیب برای به حاشیه راندن این گفتمان از برجسته‌سازی مفاهیمی همچون ارث و ابزارهایی همچون اتهام و سرزنش و.. استفاده می‌کند و سعی در جهت‌دهی گفتمان به سمت یک نزاع اقتصادی دارد.
- ۳- حضرت زهرا(س) تحقق جریان توحید را در تحقق جریان امامت و پیروی از آن ترسیم می‌کند.
- ۴- آغاز گفتمان فدکیه با فراز توحیدی نوعی رسوایی جریان انحرافی و جریان رقیب است که ریشه نزاع را در پایه‌ای‌ترین مباحث دین یعنی توحید بیان می‌کند که منجر به انحراف در حوزه اعتقادی نبوت و امامت و در نهایت عملکرد باطل و انحرافی می‌شود.
- ۵- آغاز خطبه با فراز توحیدی نقش بسیار کلیدی را در شناخت جریان انحرافی ایفا کرده و مقیاس درگیری را از حوزه اقتصادی فراتر برده و به‌عنوان یک گفتمان پایدار بیانگر درگیری دو جبهه حق و باطل در مقیاس وسیع تاریخ است و علاوه بر حقایق خداشناسی، ریشه انحرافات مخالفان ولایت را برای همیشه تاریخ تبیین می‌کند.

پیوست شماره (۱): جدول تحلیل فراز توحیدی خطبه فدکیه به شیوه پدام در سه فضای ساختاری، معنایی، ارتباطی			
فضای ارتباطی	فضای معنایی	فضای ساختاری	
الحمد لله ۲۳ بار در قرآن تکرار شده که در بیش تر آن‌ها بعد از الحمد لله اشاره به نعمت‌های معنوی مثل هدایت کرده‌است. در روایات متعدد از ولایت امام به عنوان نعمت یاد شده‌است.	توجه مخاطبان به نعمت‌ها و دعوت به حمد	شروع خطبه با حمد خداوند بر نعمت‌ها	الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ
اشاره به مسئله مهم در آفرینش که الهام فجور و تقواست	توجه مخاطبان به وجود نعمت الهام از جانب خدا و شکر در برابر آن	استفاده از ضمیر بر زیبایی و تمرکز افزوده‌است. شکر خداوند بر الهامات.	وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ
اشاره به همه نعمت‌های الهی (رحمن/۱۳؛ لقمان ۲۰) و اعطای آن قبل از استحقاق فرد (ولایت امام از جمله نعمت‌هایی است که پیش از به دنیا آمدن و بدون استحقاق می‌دهند و مستدام است).	ثنا بر نعمت‌هایی است که استمرار دارد. خداوند نعمت‌هایی به انسان پیش از به دنیا آمدنش بخشیده و هنوز هم ادامه دارد.	ثنا بر آنچه پیش از به دنیا آمدن انسان به او رسید.	وَالنَّاءُ بِمَا قَدَّمَ
	نعمتی که بدون استحقاق به انسان تعلق می‌گیرد بیش از بقیه، مورد ثنا است	ثنا از بین تمام نعمت‌ها، به آن نعمتی که خدا آغازگر آن‌ها بوده اختصاص یافته‌است.	مِنْ عُمُومِ نِعَمِ ابْتَدَأَهَا
خداوند در قرآن می‌خواهد مردم آلاء را به یاد بیاورند (اعراف/۶۹ و ۷۴). نعمت ولایت و نبوت جزء آلاء است.	این وسعت نعمت‌های بی‌حساب ادامه‌دار است.	و ثنا به وسعت احسانی که خداوند، بی‌حساب می‌دهد تعلق گرفته‌است.	وَسُبُوحِ آلاءِ أَسَدَأَهَا
بعثت رسول متنی است که خدا بر مردم نهاد (آل عمران/۱۶۴) و با فرستادن امام به عنوان جانشین این رسالت را تمام کرد (مائده/۳). و زمین هیچ‌گاه از حجت الهی خالی نیست. (والاها)	این منت: اولاً تام و تمام است؛ یعنی بی‌نیازکننده است دوم اینکه، بی در پی‌در پی	منت‌هایی که تمام و پی‌در پی است. والا و تمام دو ویژگی نعمت است. اهمیت صفت «تمام» در این جمله به دلیل تقدم	وَتَمَامِ مَنِ وَالْأَهَا
اشاره به غیرقابل شمارش بودن نعمت‌های خداوند و ناتوانی در شمارش آن (نحل/۱۸؛ ابراهیم/۳۴)	ویژگی نعمت‌ها به موارد پیشین محدود نمی‌شود.	نعمت‌های الهی از حیث کثرت قابل شمارش نیستند.	جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدَدَهَا

وَنَأَىٰ عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا وَتَقَاوَتْ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَمْدُهَا	ابتدا و انتهای نعمت‌های محدود چنان گسترده است که اصلاً امکان جزا دادن برای آن وجود ندارد و نعمت‌های ابدی هم از درک بشر خارج است.	حتی حد نعمت‌های محدود برای بندگان نامشخص است (نحل/۱۸؛ ابراهیم/۳۴). نعمت‌هایی با ویژگی ابدی بودن وجود دارد (امامت یک نعمت ابدی است که درک نمی‌شود).
وَنَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا	«هم» ضمیری است که دارای مرجع معنوی است و موجب جلب توجه و تمرکز مخاطب است. «تقدیم ما حقه تأخیر» : جایگاه لاستزادتها بعد از بالشکر بوده است. خدا برای زیادی نعمت و اتصال آن بندگان را به شکر فرامی‌خواند.	خداوند شکر را راه ازدیاد نعمت بیان می‌کند (ابراهیم/۷)؛ پیمودن راه صحیح مصدق شکر است (انسان/۳).
وَأَسْتَحْمِدُ إِلَى الْخَلَائِقِ بِاجْزَالِهَا	استحمد در باب استفعال است (ایجاد زمینه حمد). کاربرد الی امثالها به جای لامثالها الی امثالها بیان نتیجه و ثنی بالتدب است. خدا بار دیگر ندبه و دعوت خود را به شکر تکرار کرد تا امثال این نعمت‌ها را به انسان بدهد.	خداوند شایسته حمد است (اسراء/۱۱۱). آوردن الی امثالها نشان می‌دهد که هدف از این تکرار تأکید نیست؛ بلکه مشابه و مثل این نعمت بعد از مرگ دوباره به انسان می‌دهد.
وَأُشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ	شهادت به وحدانیت حق بعد از حمد و ثنای الهی. شروع با نفی در جمله‌ای که شاخصه توحید در اسلام است (نفی، مقدم بر اثبات)	این جمله علاوه بر سطح ظاهری معنا، عمق و مراتبی دارد (پذیرفتن ولایتی غیر از ولایت امام، شرک است).
كَلِمَةً جُعِلَ الْإِخْلَاصُ تَأْوِيلُهَا	توحید کلمه‌ای است که اخلاص تأویل آن است.	پیروی از دستورات هر کسی غیر خداوند عدم «اخلاص و توحید» یعنی «شرک» است.

وَضُمِّنَ الْقُلُوبُ مَوْصُولَهَا	کلمه قلوب جمع است؛ لذا این جمع تجمیعی است؛ یعنی فرد فرد افراد جمع محکوم به حکم هستند.	دل ها ظرف توحید است	اشاره به توحید فطری دارد؛ توحید برای همه قلوب دست یافتنی است (علم حضوری).
وَأَثَارَ فِي الْفِكْرِ مَعْقُولَهَا	تناسب مفعولی سه فعل (جعل، ضمن، انار) هر سه فعل ماضی با یک مرجع ضمیر الله آمده است (پیوستگی کلام) تعقل در این کلمه (توحید) در فکر، روشنی پدید می آورد.	خداوند در عالم فکر و ذهن، معقولیت توحید را واضح و روشن قرار داده است.	رسیدن به حقیقت توحید به وسیله عقل و فکر (علم حصولی) (ابراهیم/۱۱).
الْمُمْتَنِعُ مِنَ الْبَصَارِ رُؤْيَتُهُ وَمِنَ اللَّسَنِ صِفَتُهُ وَمِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ	سه موضوع ذیل یک حکم چینش از مدرک قریب به بعید موجب تثبیت معناست و نوعی تصویرسازی را می رساند. (راهکارهای اقناع مخاطب). کار بست واژه ممتنع منع ذاتی را می رساند. حرف اضافه من به جای عن چشم ها نمی تواند خدا را درک کند و زبان نمی تواند وصف کند و اوهام حقیقت خدا را نمی تواند دریافت کند.	«عن» معنای مجاوزت را می رساند (ابن انباری، بی تا، ص ۱۹۶). مجاوزه در درون خود امکان و احتمال دارد آن امکان و احتمال را با حرف من منع می کند. درک خدا و وصف او و تصور او امکان پذیر نیست.	محدودیت بشر در خداشناسی (انعام/۱۰۳؛ اعراف/۱۲۳). وصف تام خداوند غیر ممکن است (صافات/۱۵۹). خداوند وجودی است که مانند ندارد.
أَبْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا	اشیاء را بدون اینکه قبلیش چیزی باشد ایجاد کرد.	نفی ماده قبلی در خلقت	
وَأَنْشَأَهَا بَلَا أَحْتَدَاءٍ أُمَثَلَهَا	اوج گیری معنا با ارتقای لفظی رجوع ضمیر در جملات مسجع و حفظ پیوستگی جملات و بدون تقلید از نمونه پیشین به وجود آورد.	نفی صورت قبلی در خلقت.	ابداع (بقره/۱۱۷) و انشاء (یس/۷۹) بدون الگو و ماده قبلی فعل خداست. (فاعلیت تام خداوند متعال و کمال الهی زمانی در مرحله ذات)

کوَنَهَا بِقُدْرَتِهِ	اشیاء را به قدرت خودش آفرید (اشاره به خلقت به نحو تکوین)	تکوین ایجاد به امر است (بیانگر صفت ذات خدا).	به مجرد اعمال قدرت بدون مقدمه خارجی، فعل در خارج محقق خواهد شد (نحل/۴۳).
و ذَرَأَهَا بِمَشِيَّتِهِ	و به مشیت خود آشکار کرد. (اشاره به خلقت به نحو تذریعی)	بیانگر صفت فعل خدا در خلقت	ایجاد همه چیز به مشیت او وابسته است) مومنون/۷۹، انسان/ ۳۰؛ تکویر/ ۲۹.
مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا	نفی بعد اثبات «غیر» دلالت بر نکره بودن دارد (بابتی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۴). نفی آفرینش به قصد نیاز و احتیاج خداوند	نفی هر گونه احتیاج در اصل (ذات) تکوین	بی نیازی مطلق ذات احدیت (عنکبوت/۶).
وَلَا فَايِدَةَ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا	رجوع ضمیر در جملات مسجع حفظ پیوستگی کلام را موجب می شود. (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۰)	نفی هر گونه احتیاج در صورت و ظاهر (عَرَضِ) تکوین	
إِلَّا تَثْبِيثًا لِحِكْمَتِهِ	تثبیت حکمت اولین علت آفرینش است.	با اصل خلقت پی به حکمت خلقت می بریم	یکی از اهداف آفرینش اثبات حکمت خداست.
و تَنْبِيْهَا عَلَى طَاعَتِهِ	(تنبيه به طاعت نه امر به طاعت) آگاه کردن بندگان به طاعت خدا هدف دیگر آفرینش است.	تفکر در آفرینش انسان را به طاعت خدا می رساند.	اطاعت امری فطری است که با آگاهی از حکمت خدا بروز می کند.
وَ إِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ	اظهار قدرت از اهداف آفرینش است.	خداوند قدرت خودش را با خلقت آشکار کرد.	تمام آفرینش نشان قدرت الهی است.
و تَعْبُدًا لِّبَرِيَّتِهِ	تعبد همه موجودات یکی دیگر از اهداف آفرینش است.	تعبد نهایت خضوع است که در برابر نهایت قدرت انجام می یابد.	یکی از اهداف خلقت عبودیت است) ذاریات/۵۶.
وَ إِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ	و هدف نهایی، اعزاز دعوت کنندگان	خداوند پشتوانه دعوت انبیا را نظام آفرینش قرار داده است	رابطه زیبای نبوت و توحید (ابراهیم/۱۳ و ۱۴).

در قرآن این نوع به کارگیری ثم در آیه اول سوره انعام می باشد (نشان دادن فاصله بین دو تفکر) اشاره به حکمت معاد بعد حکمت آفرینش	فاصله دو نوع اطاعت یکی اطاعت با شناخت حکمت و دیگری اطاعت از روی ثواب و عقاب را می رساند.	ثم فضای کلام را تغییر میدهد از سیاق خلق به جعل و برای عطف با تراخی ثواب را بر طاعتش قرار داد و عقاب را بر معصیتش	ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ
خداوند آن قدر نعمت ها و ثواب هایی که برای بندگان آماده کرده بیان می کند (توصیف بهشت) که این نفس دارای اکراه طبع به اقبال و گرایش به طاعت برگرداند (سجده ۱۷ و نساء/۵۶).	خدا می خواهد انسان دچار نعمت گناهان نشود. انسان با طبع عادی بدون باور به معاد به سوی بهشت نمی رود.	برای دور کردن بندگان از نعمت معصیت و کشاندن به سوی بهشت	ذِيَادَةً لِّعِبَادِهِ عَنْ نِقْمَتِهِ وَ حَيَاشُهُ مِنْهُ إِلَى جَنَّتِهِ

کتاب نامه:

قرآن کریم.

- آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۵ش)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آویشی، سمیه (۱۳۹۶ش)، *تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدکیه حضرت زهرا (س)* بر اساس الگوی فرکلاف و چارچوب نظری لاکلاو موفه (پایان نامه ارشد)، قابل بازیابی از گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران.
- ابن اثیر جزری، علی بن محمد (۱۳۴۱ق)، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش)، *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، تهران: اسماعیلیان.
- ابن انباری، عبد الرحمن بن محمد (بی تا)، *أسرار العربیه*، دار الارقم: بیروت.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الأمالی*، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ق)، *التوحید*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م)، *جمهره اللغة*، بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ش)، *مناقب آل أبی طالب (ع)*، قم: علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸ش)، *التهوف علی قتلی الطفوف*، ترجمه فهری، تهران: جهان.
- ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (بی تا)، *بلاغات النساء*، قم: مکتبه بصیرتی.
- ابن عساکر (بی تا)، *تاریخ مدینه دمشق* (محقق عمرو بن غرامه العمروی)، بیروت: دارالفکر.
- ابن عطیه، عبد الحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، *عده الداعی و نجاح الساعی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- ابوحمره ثمالی، ثابت بن دینار (۱۴۲۰ق)، *تفسیر القرآن الکریم (ثمالی)*، بیروت: دار المفید.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اصفهانى، على بن حسين ابوالفرج (۱۳۸۵ش)، *مقاتل الطالبین*، (ویراستار کاظم مظفر)، قم: مؤسسه دارالکتاب.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۹۷ش)، *الغدير*، بیروت: دارالکتب العربی.
- بابتی، عزیزه فوال (بی تا)، *المعجم المفصل فی النحو العربی*، بیروت: دار الکتب العلمیه .
- بحرینی، سید مجتبی (۱۴۰۱ش)، *استیضاح هیئت حاکمه*، قم: دلیل ما.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، *صحیح بخاری*، بیروت: دارالفکر.
- بشیر، حسن (۱۳۹۵ش)، *کاربرد تحلیل گفتمان در فهم منابع دینی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بشیر، حسن (۱۳۹۷ش)، *تحلیل گفتمان دینی*، مبانی نظری، قم: نشر لوگوس.
- بشیر، حسن (۱۳۹۹ش)، *روش عملیاتی تحلیل گفتمان*، تهران: انتشارات سروش.
- بلور، توماس و بریل بلور (۱۳۹۰ش)، *مقدمه‌ای بر روند تحلیل گفتمان انتقادی* (علی رحیمی و امیر حسین شاه بالا مترجمان)، تهران: انتشارات جنگل.
- بیهقی، ابوبکر أحمد بن حسین بن علی (۱۴۲۴ق)، *السنن الکبری*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره (بی تا)، *الجامع الصحیح*، بیروت: دارالاحیاء تراث العربی.
- تفتازانی، مسعود بن عمر (بی تا)، *کتاب المطول و بهامشه حاشیة السید میرشریف*، قم: مکتبه الداوری.
- جلالی، سید محمد فردین و بهادری، بهنام (۱۳۹۸ش)، *تفسیر آیه تطهیر در منابع روایی فریقین*، تفسیرپژوهی؛ سال ۸، شماره ۱۱، صص ۱۳-۸۸.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (بی تا)، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالمعرفه.
- حسکانی، عیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
- حیدری، محمد (۱۳۸۱ش)، *معجم الأفعال المتداولة و مواطن استعمالها*، قم: المركز العالمی للدراسات الاسلامیه .
- داودآبادی فراهانی، مهدی (۱۳۹۵ش)، *تحلیل خطبه فدکیه بر اساس نظریه کنش گفتاری*، *فصلنامه تاریخ اسلام*، دوره ۱۷، شماره دوم، صص ۳۹-۷۰.
- دودانگه، محرمعلی (۱۳۹۴ش)، *جستاری پیرامون گفتگو و مصادیق آن*، کرج: رهام اندیشه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم.
- روشنفکر، کبری؛ اکبری زاده، فاطمه (۱۳۹۰ش)، *تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدک حضرت زهرا (س)*، *منهاج*، دوره ۷، شماره ۱۲، صص ۱۲۵-۱۴۵.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت: دارالكتاب العربی.

زورق، محمدحسن (۱۳۶۸ش)، *مبانی تبلیغ*، تهران: انتشارات سروش.

سلطانی رنانی، محمد (۱۳۹۷ش)، تحلیل مفهومی و منطقی احادیث «لا من شیء» در باب خلقت الهی، *مطالعات قرآن و حدیث*، سال ۱۱، شماره ۲۲، صص ۱۶۹-۱۹۰.

سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۳ق)، *جامع الاحادیث*، بیروت: دارالفکر.

سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: کتابخانه عمومی حضرت‌آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره).
 صیادی نژاد، روح‌اله؛ حسینی باصری، سیدکاظم (۱۳۹۷ش)، تحلیل گزاره‌های پرسشی خطبه فدکیه بر اساس نظریه «سرل»، *شیعه شناسی*، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۱۳۷-۱۶۶.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۴ق)، *المعجم الكبير*، (حمیدی سلفی ویراستار)، بیروت: دارالاحیاء تراث العربی.

طبری، محب‌الدین احمد (۱۹۷۴م)، *ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی*، بیروت: دارالمعرفه.

عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، بیروت: دار الافاق الجدیدة.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.

فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹ش)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، (فاطمه شایسته پیران و دیگران مترجمان)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

قائم‌نیا، علیرضا (۱۳۹۳ش)، *بیولوژی نص: نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیة.

لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۲ش)، *درآمدی به سخن‌کاوی، مجله زبان شناسی*؛ سال ۹، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۲۲.

لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱ش)، *درآمدی به اصول و روش ترجمه*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).

مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مهرآیین، مصطفی؛ قبادی، علیرضا (۱۳۹۹ش)، تحلیل گفتمان خطبه فدکیه حضرت زهرا (س)، *دوفصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۹-۲۲.

Bibliography:*The Holy Quran.*

- Abū Ḥamza al-Thumālī, Thābit Ibn Dīnār (1420H), *Tafsīr al-Qur'ān al-Karīm (al-Thumālī)*, Beirut: Dār al-Mufīd. (In Arabic)
- Agha Golzadeh, Ferdows (1385), *Critical Discourse Analysis*, Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
- Amīnī, 'Abd al-Ḥusayn (1397H), *al-Ghadīr*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Arabī. (In Arabic)
- 'Askarī, al-Ḥasan Ibn 'Abd Allāh (1400H), *al-Furūq fī al-Lugha*, Beirut: Dār al-Āfāq al-Jadīda. (In Arabic)
- Avishi, Somayeh (1396SH), *Critical Discourse Analysis of the Fadakia Sermon of Hazrat Zahra (PBUH) Based on the Fairclough Model and Laclau-Moufet's Theoretical Framework* (Master's Thesis), Retrievable from Ganj, Iranian Scientific Information Database. (In Persian)
- Azhārī, Muḥammad Ibn Aḥmad (1421H), *Tahdhīb al-Lugha*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Bābatī, 'Azīza Fawwāl (n.d.), *al-Mu'jam al-Mufaṣṣal fī al-Nahw al-'Arabī*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. (In Arabic)
- Bashir, Hassan. (1395SH), *Application of Discourse Analysis in Understanding Religious Sources*. Tehran: Islamic Culture Publishing House. (In Persian)
- Bashir, Hassan. (1397SH), *Religious Discourse Analysis, Theoretical Foundations*. Qom: Logos Publishing. (In Persian)
- Bashir, Hassan. (1399SH), *Operational Method of Discourse Analysis*. Tehran: Soroush Publications. (In Persian)
- Bayhaqī, Abū Bakr Aḥmad Ibn al-Ḥusayn Ibn 'Alī (1424H), *al-Sunan al-Kubrā*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. (In Arabic)
- Bloor, Thomas and Brill Bloor. (1390), *An Introduction to the Process of Critical Discourse Analysis* (translators: Ali Rahimi and Amir Hossein Shah-Bala), Tehran: Jangal Publications. (In Persian)
- Bukhārī, Muḥammad Ibn Ismā'īl (1401H), *Ṣaḥīḥ al-Bukhārī*, Beirut: Dār al-Fikr. (In Arabic)
- Davoodabadi Farahani, Mehdi. (1395SH), Analysis of the Fadakiyah sermon based on the theory of speech act. *Quarterly Journal of Islamic History*, Volume 17, Issue 2, pp. 39-70. (In Persian)
- Dodangeh, Moharram Ali, (1394SH), *An Essay on Dialogue and Its Examples*, Karaj: Raham Andisheh. (In Persian)
- Fairclough, Norman. (1379SH), *Critical Discourse Analysis*. (Fatemeh Shayesteh Piran and others, translators), Tehran: Ministry of Culture and Guidance, Office of Media Studies and Development. (In Persian)
- Fakhr al-Rāzī, Muḥammad Ibn 'Umar (1420H), *al-Tafsīr al-Kabīr (Mafātīḥ al-Ghayb)*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Farāhīdī, al-Khalīl Ibn Aḥmad (1409H), *Kitāb al-'Ayn*, Qom: Nashr al-Hijra. (In Arabic)
- Ghaemini, Alireza. (1393SH), *Biology of Text: Semiotics and Interpretation of the Quran*. Tehran: Publication Organization of the Research Institute of Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Ḥākim al-Nīsābūrī, Muḥammad Ibn 'Abd Allāh (n.d.), *al-Mustadrak 'alā al-Ṣaḥīḥayn*, Beirut: Dār al-Ma'rifa. (In Arabic)
- Ḥaskānī, 'Ubayd Allāh Ibn 'Abd Allāh (1411H), *Shawāhid al-Tanzīl li-Qawā'id al-Tafḍīl*, Tehran: Majma' Iḥyā' al-Thaqāfa al-Islāmiyya. (In Arabic)



- Ibn al-Anbārī, 'Abd al-Raḥmān Ibn Muḥammad (n.d.), *Asrār al-'Arabiyya*, Beirut: Dār al-Arqam. (In Arabic)
- Ibn al-Athīr al-Jazarī, 'Alī Ibn Muḥammad (1341H), *Osd al-Ghāba fī Ma'rifat al-Ṣaḥāba*, Tehran: Ismā'īliyyān. (In Arabic)
- Ibn al-Athīr, Mubārak Ibn Muḥammad (1367H), *al-Nihāya fī Gharīb al-Ḥadīth wa al-Athar*, Tehran: Mu'assasat al-Maṭbū'āt al-Islāmīyan. (In Arabic)
- Ibn 'Asākir (n.d.), *Tārīkh Madīnat Dimashq*, ed. 'Amr Ibn Gharāma al-'Amrī, Beirut: Dār al-Fikr. (In Arabic)
- Ibn 'Aṭīyya, 'Abd al-Ḥaqq Ibn Ghālīb (1422H), *al-Muḥarrar al-Wajīz fī Tafsīr al-Kitāb al-'Azīz*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. (In Arabic)
- Ibn Bābawayh, Muḥammad Ibn 'Alī (1376H), *al-Amālī*, Tehran: Kitābchī. (In Arabic)
- Ibn Bābawayh, Muḥammad Ibn 'Alī (1398H), *al-Tawḥīd*, Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī. (In Arabic)
- Ibn Durayd, Muḥammad Ibn al-Ḥasan (1988), *Jamharat al-Lugha*, Beirut: Dār al-'Ilm li'l-Malāyīn. (In Arabic)
- Ibn Fahd al-Hillī, Aḥmad Ibn Muḥammad (1407H), *Uddat al-Dā'ī wa Najāḥ al-Sā'ī*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. (In Arabic)
- Ibn Fāris, Aḥmad Ibn Fāris (1404H), *Maqāyīs al-Lugha*, Qom: Maktab al-A'lām al-Islāmī. (In Arabic)
- Ibn Manzūr, Muḥammad Ibn Mukarram (1414H), *Lisān al-'Arab*, Beirut: Dār Ṣādir. (In Arabic)
- Ibn Shahrāshūb al-Māzandarānī, Muḥammad Ibn 'Alī (1379H), *Manāqib Āl Abī Ṭālib (PBUH)*, Qom: 'Allāma. (In Arabic)
- Ibn Ṭayfūr, Aḥmad Ibn Abī Ṭāhir (n.d.), *Balāghāt al-Nisā'*, Qom: Maktabat Baṣīratī. (In Arabic)
- Iṣfahānī, 'Alī Ibn al-Ḥusayn Abū al-Faraj (1385H), *Maqātil al-Ṭālibīn*, ed. Kāzim Muẓaffar, Qom: Mu'assasat Dār al-Kitāb. (In Arabic)
- Jalali, Seyyed Mohammad Fardin and Bahadori, Behnam (1398SH), Interpretation of the Verse of Purification in the Narrative Sources of the Frigids. *Journal of Interpretation Studies*; Year 8, Issue 11, pp. 13-88. (In Persian)
- Kulaynī, Muḥammad Ibn Ya'qūb (1407H), *al-Kāfī*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. (In Arabic)
- Lotfipour Saedi, Kazem (1371SH), *Introduction to Principles and Methods of Translation*. Tehran: University Publishing Center. (In Persian)
- Lotfipour Saedi, Kazem. (1372SH), Introduction to Discourse Analysis, *Journal of Linguistics*; Year 9, Issue 1, pp. 109-122. (In Persian)
- Majlisī, Muḥammad Bāqir Ibn Muḥammad Taqī (1403H), *Biḥār al-Anwār*, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Mehrayin, Mustafa, Ghobadi, Alireza. (1399SH), Discourse Analysis of the Fadakia Sermon of Hazrat Zahra (PBUH). *Bi-Quarterly Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, Volume 10, Issue 2, pp. 9-22. (In Persian)
- Mufīd, Muḥammad Ibn Muḥammad (1413H), *al-Irshād fī Ma'rifat Hujaj Allāh 'alā al-'Ibād*, Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt (PBUH). (In Arabic)
- Muqātil Ibn Sulaymān (1423H), *Tafsīr Muqātil Ibn Sulaymān*, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)

- Muṣṭafawī, Ḥasan (1360H), *al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qur'ān al-Karīm*, Tehran: Book publishing and translation agency. (In Arabic)
- Rāghib al-Iṣfahānī, al-Ḥusayn Ibn Muḥammad (1412H), *Mufradāt Alfāz al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Qalam. (In Arabic)
- Richards, Jack et al. (1985) Dictionary of Applied Linguistics. Essex: Longman.
- Roshanfekar, Kobari, and Akbarizadeh, Fatemeh. (1390SH), Critical discourse analysis of the Fadak sermon of Hazrat Zahra (PBUH), *Minhaj*, Volume 7, Issue 12, pp. 125-145. (In Persian)
- Sayadi Nejad, Ruhollah, and Hosseini Basri, Seyed Kazem. (1397SH), Analysis of the interrogative propositions of the Fadakiyah sermon based on the theory of "Serrell". *Shia Studies*, Volume 16, Issue 1, pp. 137-166. (In Persian)
- Soltani Ranani, Mohammad (1397SH), Conceptual and logical analysis of the hadiths "La min shi'" about divine creation. *Quran and Hadith Studies*, Year 11, Issue 22, pp. 169-190. (In Persian)
- Suyūṭī, Jalāl al-Dīn (1404H), *al-Durr al-Manthūr fī al-Tafsīr bi'l-Ma'thūr*, Qom: Library of al-Mar'ashī al-Najafī. (In Arabic)
- Suyūṭī, Jalāl al-Dīn (1423H), *Jāmi' al-Aḥādīth*, Beirut: Dār al-Fikr. (In Arabic)
- Ṭabarānī, Sulaymān Ibn Aḥmad (1404H), *al-Mu'jam al-Kabīr*, ed. Ḥamdī al-Salafī, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Ṭabarī, Muḥibb al-Dīn Aḥmad (1974), *Dhakhā'ir al-'Uqbā fī Manāqib Dhawī al-Qurbā*, Beirut: Dār al-Ma'rifa. (In Arabic)
- Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn (1390H), *al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Beirut: Mu'assasat al-A'lamī li'l-Maṭbū'āt. (In Arabic)
- Taftāzānī, Mas'ūd Ibn 'Umar (n.d.), *Kitāb al-Muṭawwal*, Qom: Maktabat al-Dāwarī. (In Arabic)
- Tirmidhī, Muḥammad Ibn 'Isā Ibn Sūra (n.d.), *al-Jāmi' al-Ṣaḥīḥ*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Zamakhsharī, Maḥmūd Ibn 'Umar (1407H), *al-Kashshāf 'an Ḥaqā'iq Ghawāmiḍ al-Tanzīl wa 'Uyūn al-Aqāwīl fī Wujūh al-Ta'wīl*, Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī. (In Arabic)
- Zouragh, Mohammad Hassan, (1368SH), *Fundamentals of Propagation*. Tehran: Soroush Publications. (In Persian)